

سخنی پیرامون واژه «استبداد» در ادبیات

انقلاب مشروطیت ایران

در خلال سالهای انقلاب مشروطیت ایران نویسندگان، گویندگان مترجمان آندوره واژه‌هایی بکار می‌بردند که برخی از آنها از نظر شکل و ساختمان کهنه ولی از حیث معنی و مفهوم کاملاً نو بشمار می‌رفت. مهمترین اصطلاحات جاری در ادبیات مشروطه دو واژه «استبداد» و «مشروطه» بود. درباره واژه مشروطه و ریشه‌لغوی اشتقاق و مفاهیم آن در جای دیگر بحث کرده‌ایم (۱) در این مقاله می‌خواهیم پیرامون «استبداد» و واژه مهم دیگری از ادبیات انقلاب مشروطه شمه‌ای سخن گوئیم.

این واژه عربی است و از باب استفعال. در حدیث و ادبیات دوره‌های مختلف اسلامی چه نثر و چه شعر این واژه کراراً بچشم می‌خورد. معنی کلی قدیمی آن عبارت است از یک عمل و یا تصمیم خودسرانه یک فرد بدون در نظر گرفتن عقاید دیگران، چون مفهوم مشورت، که نقطه مقابل استبداد قرار گرفته مورد پیشینیان قرآن و حدیث است، مفهوم استبداد همواره مورد انتقاد نویسندگان اسلامی بوده است، بطور مثال حدیث‌هایی بدین مضمون آورده‌اند: «المشاوره من السنه والاستبداد من شیمه الانسان» و «من استبدیر أیضه» و این حدیث منسوب به علی بن ابی طالب: «کنانری أن لنا فی هذا الامر حقاً فاستبددتم». (۲) در قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ میلادی همان واژه وسیله اندیشه‌گران

اسلامی به معنی دسپوتیزم (Despotism) و تیرانی (Tyranny) بکار برده شد. مردانی مانند خیرالدین پاشای تونس (۳)، رفاعة رافع الطهطاوی مصری (۴)، سید عبدالرحمان کواکبی از سوریه (۵)، نامن کمال ترک (۶) و میرزا آقاخان کرمانی (۷) از جمله کسانی بودند که واژه استبداد را معنی دسپوتیزم و یا گاهی به معنی رژیم ضدقانون و غیرمشروطه بکار بردند.

موسی جاراله بیکیف یکی از مسلمانان ترک زبان روسی شرح جالبی پیرامون واژه‌های استبداد و مستبد می‌دهد. جاراله که خلاصه مذاکرات کنفرانس مسلمانان روسی را که در سال ۱۹۰۶ در سنت پترزبرگ تشکیل شده بود از روسی به ترکی درآورده درباره دو واژه استبداد و مستبد چنین اظهار نظر کرده است:

«اگرچه از نظر لغوی واژه استبداد بمعنی موناخیه (Monarchy) و مستبد بمعنی موناخ (Monarch) (۸) است من لفظ موناخیه را به «سلطنت» و موناخ را به «سلطان» ترجمه می‌کنم زیرا [در ترکی، عربی و فارسی] واژه‌های استبداد و مستبد معنی ظلم را دارد. (۹)»

از طرف دیگر این دو واژه یعنی تیرانی و دسپوتیزم در طول قرون متمادی معانی و موارد استعمال متفاوتی در اروپا داشته است.

بطور مثال سیر تاریخی مفهوم تیرانی و بکار بردن آن در مورد حکومتها، حکام و در زمینه‌ها و قریب‌های گوناگون تعریف دقیق آنرا برای دانشمندان علوم سیاسی بسیار مشکل ساخته است (۱۰). ولی در قرون ۱۸ و ۱۷ این دو مفهوم وسیله اندیشه‌گران اروپای غربی مانند مونتسکیو و روسو بشیوه‌ای بکار برده شده که نشان‌دهنده یک حاکم و دولتی است که حکومت ظالمانه خود را بمردمش تحمیل کرده است.

بنابراین یک تفاوت خیلی مختصری بین معنی تیرانی و دسپوتیزم بوجود آمد بطوری که در گفته ژان ژاک روسو این تفاوت بخوبی پیداست، او می‌گوید که «من لفظ تیران (Tyran) را برای مردی که مقام سلطنت و لفظ دسپوت (Despote) را برای کسی که مقام حاکمیت (Pouvoir Souverain) را عصب کرده بکار می‌برم. تیران بر ضد قانون دخالت می‌کند تا اینکه طبق قانون حکومت کند ولی دسپوت کسی است که خود را کاملاً مافوق قانون می‌گذارد. بنابراین یک نفر میتواند تیران باشد نه دسپوت ولی دسپوت حتماً تیران است. (۱۱)»

در بسیاری از نوشته‌های دوره انقلاب مشروطه لفظ استبداد و مترادفات آن بهمان معنی «Despotic rule» و «Tkranny» که در کتابهای مونتسکیو، روسو و آلفیری بکار برده شده آمده است. مهم‌ترین و منظم‌ترین کتابی که وسیله یکی از علماء مشروطه خواه و درباره مشروطه نوشته شده و استبداد را در موردی کمی شبیه اروپائی‌ها تعریف کرده همانا کتاب مرحوم آیه‌الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی است که عنوانش تنبیه‌الامة و تنزیه‌المله میباشد. نائینی کتاب خود را در هنگامی نوشت که محمد علی شاه مجلس را بمباران کرده مشغول کشتن آزادخواهان بود. با در نظر گرفتن آن‌وضع در ایران و سیستم حکومت محمد علی شاه، نائینی گفت که مرد مستبد:

«... مانند آحاد مالکین نسبت به اموال شخصی خود با مملکت و اهلسش معامله فرمایند، مملکت را ... مال خود انگارد و اهلس را مانند عبید... بلکه اغنام و احشام... پندارد... هر مالی را که خواهد از صاحبش انتزاع و یا به چپاول چنان اطرافیش بخشد... خراج را هم از قبیل مال الاجاره و حق الارض ملک شخصی خود [داند]... این نوع... [حکومت] را تملکیه، استبدادیه، استبدادیه [برده‌گرانه] اعتسافیه [زوری]، تسلطیه و تحکیمیه... خوانند... صاحب این چنین... [حکومت] را حاکم مطلق... ظالم و قهار و امثال ذالک نامند. ملت [او] را اسراء... و مستغفرین... [کوچک فرض شده] [و چون بهره‌شان از زندگی مثل نباتات است لذا آنها را] مستنبتین خوانند...» (۱۲)

این توصیف از استبداد و مستبد بسیار با توصیف اندیشه گ-رانی مانند مونتسکیو، روسو و آلفیری شباهت دارد. در آن زمان از راه‌های مختلفی آراء و عقائد نو از باختر زمین راه بخاورمیانه و دنیای اسلام باز کرده بود. علاوه بر روابط اقتصادی با اروپا و وجود منافع استعماری و استثمارگری کشورهای اروپائی در کشورهای خاورمیانه که بطور غیر مستقیم سبب توسعه عقائد نو در خاورمیانه می‌شد از قرن ۱۹ عده‌ای از روشنفکران و روشنگران قدم بعرضه ظهور نهادند که عقائد نو اروپا را مطالعه، ترجمه، تفسیر و تجزیه و تحلیل میکردند. ما در بالا نام چند يك از روشنفکران دنیای اسلام را همراه با برخی از کتب آنان آوردیم در اینجا لازم است اضافه کنیم که در ایران نیز عده‌ای مانند یوسف خان مستشارالدوله تبریزی، ملک‌خان، آقا خان کرمانی، مجدالملک و جمعی

دیگر وجود داشتند که درباره عقائد نو اروپا و سیستم‌های نوسازی و اجتماعی و اقتصادی با آمیختن آن اندیشه‌ها با مبانی اسلامی به تألیف کتب و رسالاتی دست زدند (۱۳)

بسیاری از مطالبی را که شرکت کنندگان در مشروطه و از جمله نائینی مورد بحث قرار میدادند مستقیماً یا بطور غیر مستقیم از تأثیر افکار اندیشه‌گران باختری که از طریق نوشته‌های روشنگران دنیای اسلام بدانها رسیده بود خالی نبود. در اینجا ما کوشش میکنیم که در يك مورد، مجرای مستقیم ورود تئوری استبداد و توصیف مربوط به مفهوم استبداد را که از اروپای باختری وارد ادبیات مشروطه شد، نشان دهیم. این مجرا از منتهی‌الکبری می‌گردد و به نائینی پایان مییابد. دلیل‌های روشنی وجود دارد که نشان میدهد نائینی در توصیف استبداد در کتاب خود از کتاب عبدالرحمان کواکبی، **طبائع الاستبداد و مصارع الاستعباد** استفاده کرده است.

طبائع برای اولین بار بصورت کتاب در سال (۴) ۱۹۰۵ در قاهره چاپ شد. دو سال پس از آن یعنی در سال ۱۳۲۵ قمری میبینیم که ترجمه، آن وسیله يك شاهزاده قاجار، عبدالحسین میرزا قاجار، در دنیای مطبوعات فارسی ایران چهره می‌گشاید. در آن موقع کتاب کواکبی بدون امضاء چاپ شده بود و بهمین جهت مترجم فارسی آن در مقدمه خود مینویسد که: «... در ایران تاکنون [کتابی] باین تمامی تألیف نشده و مؤلف آن اسم خویش را مخفی داشته ولی مطالب آن دلالت دارد که زاده فکرت فاضلی نامدار و عالمی عالی‌مقدار میباشد.» (۱۴)

آنچه مسلم است نائینی در استفاده از افکار کواکبی نیازی به ترجمه فارسی آن نداشته است زیرا نائینی در نجف زندگی نمیکرده و در ثانی خود عالم بوده و در نتیجه در مورد آشنائی کامل او بزبان عربی البته جای هیچگونه شکی نیست، و حتی شاید دسترسی بمعنی عربی کتاب برای او آسان تر هم بوده است. مقابله کتاب نائینی، تنبیه‌الامه، با طبائع بمانشان میدهد که در تریف واژه‌های استبداد و مستبد و واژه‌های دیگری که بعنوان مترادف آنها در کتاب نائینی بکار برده شده در مواردی عیناً از کتاب طبائع کواکبی استفاده گردیده است. این واژه‌ها از این قرار است: تملک، استبداد، استعباد، اعتساف، تسلط، تحکیم، حاکم مطلق، حاکم بامر، مالک رقاب، ظالم و قهار، (۱۵) تمام این واژه‌ها عیناً بهمان معنی و با يك نوع شیوه بحث و استدلال در

کتاب طبائع آمده است (۱۶). البته نائینی بحث خود را محدود و بچارچوب مطالب طبائع نمی‌کند. او متدولوژی خاص خود را بکار میبرد و بطور کلی بعنوان يك عالم شیعه و يك نماینده و سخنگوی علمای مشروطه خواه نجف سخن می‌گوید و همه جا کوشش دارد مطالب را در قالب قوانین اسلامی بریزد.

نائینی دربارهٔ تئوری مشروطیت نیز گفتگویی کندولی برخی از پیامهای غربی که در توصیف نائینی از استبداد و مستبد بچشم می‌خورد عیناً از کتاب طبائع کواکبی گرفته شده است.

حال ببینیم افکار سیاسی کواکبی آنطور که در طبائع آمده از کجا سرچشمه گرفته بوده است. کواکبی در کتاب خود نامی از «الغیاری المشهور» میبرد. (۱۷)

منظور او ویتوریو آلفیری (Vittorio Alfieri) (۱۷۴۹-۱۸۰۳)

است - همان اندیشه گر ایتالیائی، که گودنس ماگارو (Gaudence Magaro) او را «پیشرو ناسیونالیسم ایتالیا» (۱۸) میخواند.

این اشارهٔ مختصر و نشانه‌های دیگری که در خود کتاب از حیث شباهت گفتار کواکبی و آلفیری موجود است شاید صاحب نظران را متوجه این نکته کرد که بیشتر مطالب طبائع از کتاب آلفیری گرفته شده است. (۱۹) در سال ۱۹۴۸ احمد امین نوشت که بیشتر آراء و عقائد بحث شده در طبائع از آلفیری ریشه گرفته است. (۲۰) ولی سیلویا. گ. ک. حییم (Sylvia G. Haim) با تحقیق دقیق خود برای مارو شن ساخت. اشارات مختصر مانند اشارهٔ احمد امین دارای اهمیت فراوانی است، زیرا که ... قسمت‌های بزرگی از کتاب طبائع عین همان مطالب آلفیری است که در کتاب کوچکش بنام استبداد (Della Tivannide) آمده است (۲۱) آلفیری که «... مجذوب و مشعوف مونتسکیو بود و کتب او را دو مرتبه از آغاز تا پایان خواند ... (۲۲) يك دشمن بزرگ استبداد بشمار میرفت، او دربارهٔ برخورد خویش با استبداد می‌گوید که:

«نیرومندترین شور و هیجان و میل من نفرت از استبداد است، تنها هدف من در اندیشه‌هایم و گفتار و نوشته‌هایم این است که همواره با استبداد به‌ر شکلی که ممکن است بجنگم ...» (۲۳)

بهترین دلیل درستی گفتار آلفیری کتاب کوچک ولی بسیار مهم اوست (۲۴)

از متن هردو کتاب یعنی *Della Tirannide* و طبائع همانطور که حمیم، در بررسی خود نشان داده، بر می آید که قسمتهای زیادی از طبائع ترجمه‌ای است از کتاب آلفیری. کواکبی حتی از طرح و شیوه کتاب آلفیری پیروی کرده است. (۲۵) البته باید یادآور شد که کواکبی هم بسیاری از مطالب آلفیری را عوض کرد و پایه‌های دموکراسی را در چارچوب مبانی اسلام مورد تفسیر قرار داد.

نکته‌ای که برپژوهندگان و حتی بر خانم حمیم در هنگام بررسی خود پیرامون اثر کتاب آلفیری در طبائع پوشیده بود این بود که چگونه کواکبی که هیچک از زبانهای اروپائی را نمیدانست از کتاب *Della Tirannide* استفاده کرده است. پاسخ این سؤال را اتوره رسی (Ettore Rossi) در مقاله کوتاه خود چنین داد: «کتاب آلفیری وسیله عبدالله جودت، به ترکی ترجمه شده بود. عبدالله جودت یکی از آزادخواهان ترك و از مخالفان سرسخت حکومت سلطان عبدالحمید دوم بشمار میرفت. او از ترکیه عثمانی فرار کرد و در ژنو اقامت گزید. در سال ۱۸۹۸ کتاب آلفیری را به ترکی ترجمه و چاپ کرد و آن را استبداد نامید. این ترجمه در سال ۱۹۰۹ مجدداً در قاهره زیر همان عنوان به چاپ رسید و آن را بروح مدحت پاشا [پدر مشروطه ترکیه] اهدا کرد.» (۲۶)

بدین ترتیب آلفیری کتب مونتسکیورا خواند و کواکبی افکار و عقائد آلفیری را درباره استبداد که مستقماً از افکار مونتسکیو متأثر بود با احتمال قوی با استفاده از ترجمه ترکی آن بصورت کتاب طبائع درآورد، طبائع هم بنوبت خود هم بفارسی ترجمه شد و هم مستقیماً مورد استفاده نویسنده یکی از مهمترین و مؤثرترین کتب مربوط به مشروطیت یعنی نائینی قرار گرفت و در تنظیم تئوری استبداد او نقش مهمی باز کرد. با در نظر گرفتن نشریات و رسالات و کتب روشن-گرانه دیگری که در آن زمان پراکنده میشد و همه از نویسندگان باختر کم و بیش متأثر بود می‌توان چنین نتیجه گرفت که انقلاب مشروطه ایران تا اندازه محدودی از عناصری مشابه عناصر فکری و عقلانی انقلاب کبیر فرانسه الهام میگرفت. شاید تاحدی نظر بهمین ویژگیهای انقلاب ایران بود که یک روزنامه نگار امریکائی در تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۰۸، یعنی پنج روز پیش از آغاز استبداد صغیر و کشتار آزادخواهان و مباران مجلس وسیله محمد علی شاه، در روزنامه دنیش (The Nation) انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب مشروطیت ایران را چنین با هم مقایسه کرد:

« ایران همچنان آثار و ویژه گی‌هایی نشان می‌دهد که مربوط بملتی است که از یک رژیم کهنه بسوی نظامی نو قدم بر میدارد. ولی يك استثنای قابل توجه وجود دارد و آن این است که کوشش در راه تغییر يك رژیم استبدادی شرقی بيك حکومت مشروطه صورت میگیرد ولی بانسبه جنگهای مختصر و حداقل خونریزی، مردم ایران بایستی با نمونه‌ای از روش خویشمن‌داری باشند و یا مدلی از نجات بومی... در اینجایك معادل و نظر تقریبی نسبت به شرایط فرانسه در آغاز انقلاب کبیر وجود دارد... ولی تهران از آشفتگیهای باستیل، یورشهای ضد توپیلرز (Tuileries) و «کشتارهای سپتامبر» در امان بوده است، چنین بنظر می‌رسد که این فرانسه آسیا [ایران] تمام ترقی خواهی‌های نمونه‌های اروپائی خود را بدون آمادگی برای يك بی‌اعتدالی ناگهانی دارا میباشد. » (۲۷)

البته این گفتارها باین معنی نیست که تمام شرایطی که در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه تأثیر گذاشت در انقلاب مشروطیت ایران موجود بود. در حقیقت بسیاری از عناصر لازم برای يك انقلاب مانند، پشتیبانی عمومی، در ایران وجود نداشت.

اکثریت بزرگی از ایرانیان یعنی دهقانان و روستائیان حتی از اخبار مربوط به انقلاب ایران را کمتر می‌شنیدند. افکار اروپائی وسیلهٔ اندیشه‌گران و نواندیشان بایران راه یافت ولی آن اندیشه‌های اروپائی در چارچوب مبانی اسلامی تفسیر و تأویل گردید. در نتیجه مردم دارای عقائد مختلفی دربارهٔ تئوری مشروطیت شدند. این نوع تغییرات هنگامی باوج خود رسید که علما فعلاً نه در انقلاب شرکت کردند و کتب و رسائلی در تأیید رژیم مشروطه نوشتند و در مناظر مشروطیت را تبلیغ کردند. چون علما از اصول دموکراسی و مشروطه بر اساس مبانی اسلامی بحث می‌کردند و خود علما بانفوذترین سخنگوی افکار عمومی بشمار می‌آمدند طبعاً افکار و احساسات مردم مسلمانان ایران بیشتر متوجه گفتار آنها شد و در نتیجه با کم‌کم یکدیگر توانستند بدوران استبداد قاجار پایان بخشند.

یادداشتها

- ۱ - نگاه کنید به عبدالهادی حائری، «سخنی پیرامون واژه مشروطه»
و حیدر جلد ۱۲ (۱۳۵۳).

- ۲- برای شرح بیشتر و نقل قول‌های گوناگون درباره استبداد نگاه کنید به عبدالرحیم صفی پوری ، منتهی‌الارب فی اللغة العرب (تهران : اسلامیه ، ۱۳۳۶ شمسی) ، صفحه ۶ ، علی اکبر دهخدا ، «استبداد» ، لغت نامه ، جلد ۲ قسمت ۵ ، صفحه ۲۱۱۹ ، حسین کاظم قدری ، ترکی لغاتی (استانبول: معارف و کالتی ، ۱۹۲۸) جلد ۱ ، صفحات ۲۲۶ - ۲۲۷ .
- ۳- خیرالدین پاشا ، اقوام المسالك فی معرفة احوال الممالک (تونس ، ۱۲۸۴ قمری ، صفحات ۱۸-۲۱) .
- ۴- مفاهیم الالباب المصریه فی مباحث الاداب العصریه (قاهره : دارالطباعة الامیریه الکبری ، ۱۲۸۶ قمری) ، صفحات ۳۶۳-۳۶۴ .
- ۵- طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد (حلب : العصریه ، ۱۹۵۷) ، دره وارد مختلف .
- ۶- کلیات کمال : مقالات سیاسی و ادبیه (استانبول : سلانیک ، ۱۳۲۸ قمری) ، صفحات ۸۲-۱۶۹ ،
- ۷- فریدون آدمیت ، اندیشه‌های میرزا آقا خان کرمانی (تهران : طهوری ، ۱۳۴۶ شمسی) ، صفحه ۲۴۴ .
- ۸- جاراله در اینجا باید منظورش معنی اصلی کلمات باشد زیرا واژه **Monarch** اصلا یونانی است و از دو واژه **Mon** (تنها) و **Arch** (حاکم) تشکیل شده است .
- ۹- موسی جاراله بیکیف ، روسیا مسلمان لاری اتفاقی نک پرو غرامی (پترزبورگ ، ۱۹۰۶) ، صفحه ۹ . احمد روشن سزار دانشجو دوره دکتری دانشگاه مکیل ، مونتریال ، کانادا اکنون سرگرم نوشتن دکتری خود پیرامون اندیشه‌های جاراله است .
- ۱۰- برای سیر مفهوم تیرانی بنحو مختصر و موجز نگاه کنید به ، 135-37. **Frederick Mundell Watkins**, «Tyranny» **Encyclopedia Of The Social Sciences**, XV (1935) و نیز نگاه کنید به:

C.W. Cassinelli , (Autocracy) , **International Encyclopedia Of The Social Siences**, I (1968), 478-90

برای بحث مفصلی پیرامون تعریف‌های مختلف واژه تیرانی از زمان ارسطو به بعد و طبقه‌بندی‌های گوناگون افراد مستبد (Tyrants) این کتاب خیلی

مفید خواهد بود:

Maurice Latey , Tyranny : A Study in The Abuse of Power Clondon : Mac Millan and Ltd . , 1969) , pp , 12-28 .

درباره مشکلات مربوط به تعریف این کلمه (تیرانی) نگاه کنید به:

Rnbert A . Dahl , A Preface To Democratic Theory (Chicago : The University Of Chicago Pres , 1956) , pp . 4-33 .

Jean - Jacques Rousseau , Du Contrat Social Livre 3, Chapter X .

۱۲ میرزا محمد حسین نائینی، تنبیه الامم و تنزیه المله (تهران: فردوسی

۱۳۳۴ شمسی) ، صفحات ۸-۱۰ .

۱۳ - برای افکار آثار و زندگی اندیشه گران عرب نگاه کنید به

Albert Hourani , Arabic Thought in The Liberal Age 1798 - 1939 .

(London : Oxford University Press , 1970) .

درباره روشنگران ترك در قرن ۱۹ این دو کتاب بخوانندش می‌آرد:

Niyazi Berkes , The Development Of Turkish Secularism in Turhey (Montréal : Mc Gill University Press , 1964) .

Scrif Mardin , The Genesis Of Young Ottoman Thought :

A Study in Modernization Of Turkish Political Ideas (Princeton : Princeton University Press , 1962) .

پیرامون روشنگران ایرانی به این منابع نگاه کنید : فریدون آدمیت،

آقاخان ، همان نویسنده ، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت (تهران :

سخن ، ۱۳۴۰ شمسی) و کتابهای دیگری که همین نویسنده در این زمینه

نوشته است ، برای خلاصه‌ای از سیر نو خواهی و نو اندیشی و نو کاری نگاه

کنید به :

Hafcz Farman Farmayan , 'The Forces Of Modernization in Nineteenth Century Iran : A Historical Survey ,'

Beginnings Of Modernization in The Middle East : The Nineteenth Century , ed , William R . Polk 3 Richard L .

Chamders (Chicago : The University Of Chicago Press , 1968) , pp , 119-151

۱۴ - [عبدالرحمان الكواکبی] طبائع الاستبداد ، ترجمه میرزا عبد-الحسین قاجار (تهران . ۱۳۲۵) ، صفحه يك ، نیز نگاه کنید به محمد صادق پور وجدی ، « رساله طبائع الاستبداد و ترجمه آن » ، راهنمای کتاب ، جلد ۱۲ (۱۳۴۸ شمسی) ، صفحات ۶۸۵ - ۶۸۸ .

۱۵ - نائینی ، تنبیه الامه ، صفحات ۹ - ۱۰ .

۱۶ - کواکبی ، طبائع ، صفحات ۱۷ - ۱۸ . استفاده نائینی از طبائع البته محدود بمثال یادشده در بالا نیست . نمونه های دیگری از اقتباس نائینی از کتاب کواکبی را می توان در گفتار نائینی یافت که برای رعایت اختصار از آنها یاد نکردیم . برای مثال نگاه کنید بتوصیف اشتباه نائینی از تفکیک قوای مملکت و شباهت آن با توصیف کواکبی (تنبیه الامه ، صفحه ۱۵ ، طبائع صفحه ۱۸) .

۱۷ - کواکبی ، طبائع ، صفحه ۱۷۵ .

18 - Gaudence Megaro , Vittorio Alfieri:
Forerunner Of Italian Nationalism

(New York : Columbia University Press , 1930) .

۱۹ - سید محمد رشیدرضا « تمهید سیرة الكواکبی » ، المنار ، جلد ۵

(۱۹۰۲) ، صفحات ۲۷۶ - ۲۸۰ .

۲۰ - احمد امین ، زعماء الاسلام فی العصر الحديث (قاهره :

نهضة المصریه ، ۱۹۴۸) ، صفحه ۲۵۴ .

۲۱ - نگاه کنید به : Sylvia G . Haim :

'Alfieri and al Kawakibi , ' Oriente Moderno , xxxlv

(1954) , 321 34 .

۲۲ - Megaro , Vittorio Alfieri , p .27 .

۲۳ - همان منبع ، صفحه ۴۱ .

۲۴ - پس از چاپ و انتشار کتاب آلفیری ؛ توجه خاصی به آن کتاب شد و بزبانهای گوناگون از جمله آلمانی ، فرانسه ، پرتغالی و انگلیسی ترجمه گردید . برای آگاهی بیشتر پیرامون تاریخچه کتاب نگاه کنید به مقدمه ای که بر ترجمه اسکلیسی کتاب آلفیری نوشته شد ، با این ویژه گیها :

Vittorio Alfieri , Of Tyranny , translated, Edited and With an introduction by Julius A. Molinaro and Beatrice Corrigan (Toronto University Of Toronto Press , 1961) .

۲۵ - Haim, «Alfieri and al Kawakibi» , - 327- 28 .

۲۶ - نگاه کنید به :

Ettore Rossi , « Una Traduzione turca dell opera , Della Tirannide. di V. Alfieri Probabilmente Conosciuta da al - Kawakidi Oriente Moderno, XXXIV (1954) , 335 37 .

برای شرح بیشتر پیرامون مسأله استفاده کواکبی از کتاب آلفیری نگاه کنید به دکتر محمود السمره ، «بین الكواکبی و آلفیری» ، مجله کلمية الاداب الجامعة الاردنية ، جلد ۱ شماره ۱ (۱۹۶۹) ، ۳۳-۴۸ .

۲۷ - The Nation , 68 (June 18, 1908) , 547 .

هدف ما در اینجا مقایسه این دو انقلاب نیست . علاقمندان با انقلاب

فرانسه می توانند باین مقاله نگاه کنند:

Melvin Richter , «Toequeville , S Contribution To The Theory Of Revolution , Revolution , ed Carl J. Eviedrich C new - York : Atherton Press , 1968) , pp 75- 121 .

برای بحثهای مختلفی پیرامون انقلاب مشروطیت ایران از جمله کتابها و مقالات مختلف این منابع قابل توجه است : م . ا . نظامی « تئوری انقلاب و انقلاب مشروطیت ایران » ، مکتب ، جلد ۲ ، شماره ۲ و ۳ (۱۹۶۵) .
۵۳-۶۰ ، احمد کسروی تهریزی ، انقلاب چیست ؟ (تهران : آزادگان ، ۱۳۳۶ شمسی) .